

شعله جاوید

ناشراندریشه های دموکراتیک نوین

شماره سوم پنجشنبه ۲۹ حمل ۱۳۴۷ - ۱۸ اپریل ۱۹۶۸ ع

داکتر هادی محمودی

ورشکستگی راه رشد غیر سرمایه

دا ری در هند

همیشه برآوردن و اتحاد امکان تامین منافع طبقات سرمایه داران و زمینداران بزرگ هندی بوده است. در چنین شرایطی برخی از به اصطلاح «مترقیون» هندی برای پیشرفت واقعی هند، برنامه های طرح ریختند که ما هیت آنرا می توان راه رشد غیرسرمایه داری خواند. آن ها می گفتند، دروضع کنونی هند، لازم نیست مبارزه پی گیر و قاطع علیه حزب کانگرس ملی بعمل آید، بلکه می توان چنان شرایطی ایجاد نمود که از یکسو بر مبنای تقویه سکتور دولتی، از نفوذ اقتصادی (و در نتیجه سیاسی) امپریالیست های خارجی و هم چنان از رشد سرمایه داری خصوصی داخلی هند جلو گرفته و بدین ترتیب آزادی اقتصادی و سیاسی کاملی برای کشور تامین کرد و از سوی دیگر همزمان با تحولات نامبرده در زمینه اقتصادی، فعالیت توده ها را در راه های مبارزات پارلمانی و مسالمت آمیز سوق داده و از راه تحصیل اکثریت های پارلمانی به ایجاد حکومت دموکراسی ملی تحقق بخشید. آن ها مدعی بودند، که برنامه ایشان بادر نظر گرفتن شرایط مشخص هند و تحولات عمیق جهان کنونی طرح شده و دور از تحجر و کهنه فکری بوده و چیزی خلاق و ابتکار پرست آن ها می گفتند نباید سیاست مترقی حکومت نهرو را از نظر دور داشت. نباید نقشی توازن نیروهای جهانی را که مردم روبرو به تغییر به نفع خلقهاست نادیده گرفت و نباید به عوامل اقتصادی ایجاد حکومت دموکراسی ملی در هند کم بها داد از آنجا که محک هر نظریه و هر ادعا، عمل و تجربه است، اگر عمل و تجربه نتایجی بیار آورد که صحت ادعائی را تأیید کند آنگاه می توان ادعای مذکور را علمی خواند و پذیرفت والا خیر.

تجربه بیست ساله هند چگونه بوده است ؟

سکتور دولتی در اقتصاد هند رشد بی نظیری یافته، سرمایه مالی موسساتی که در سکتور دولتی حصه دارند، تقریباً نصف سرمایه مالی تمام موسسات هندی را در بر میگیرد. قرار احصائیه های حکومت هند، در ظرف هشت سال، از سال مالی ۵۷-۱۹۵۶ تا سال ۶۵-۱۹۶۴ تعداد موسساتی که در «بخش عامه» شامل اند از هفتاد و چهار به ۱۸۳ «باقیدار»

بیش از بیست سال است که هند آزادی سیاسی خود را بدست آورده است. حزب کانگرس ملی که در دوران مبارزات آزادیخواهی ملی پیش از سایر احزاب سیاسی در هند فعالیت و نفوذ داشت، پس از آزادی حاکمیت دولتی رادر اختیار خویش گرفت. در اوایل از آنجائیکه هند لکه های سنیه استعمار شوم را هنوز بر چهره خود احساس میکرد دولت جوان، سیاست اقتصادی بالنسبه معتدلی را در پیش گرفت، به بلاک های نظامی نه پیوست، بیطرفی فسی اختیار کرد و به استقرای خارجی پرداخت، به تدابیری جهت اصلاح

قهرمانان فنا ناپذیرند

شانزده سال پیش از این (۳۱ حمل ۱۳۳۱) در اثر مداخله دولت در انتخابات پارلمانی گروهی از روشنفکران، محصلان پسو هنتون و دانش آموزان مکاتب به پیشاهنگی دکتور محمودی فقید دست به مظهره زدند. زیرا طبقه حاکمه نمی خواست دکتور محمودی و عده دیگری از نمایندگان که از تریبون پارلمانی بمشابه آله افشای طبقه حاکمه کار می گرفتند، در پارلمان شرکت داشته باشند.

اگر چه این جنبش دیموکراتیک بوسیله پاسداران ارتجاع سرکوب شد ولی تأثیر آن بر اذهان مردم ما تأثیری است رزم انگیز، عظیم و دیر پای.

جریده شعله جاوید که سنن پرافتخار انقلابی خلق افغانستان و خلقهای سراسر جهان را بدیده بزرگداشت می نکرد میخواست با این نوشته خاطره آن جنبش ارزشمند و پیشاهنگ فقید آن دکتور محمودی را که در سراسر زندگیش سیاسی خویش در راه گسترش اندیشه های پیشرو و متشکل ساختن نیرو های مترقی افغانستان تلاش کرد و مانند مشعل فروغنا کنی راعنمای همراهان و هم زمان خود بود، در اذهان مردم ما زنده سازد.

خلق افغانستان هیچگاه نخواهد گذاشت که شعله مبارزه به افسردگی بگراید و این سمت کشش طبیعی ستم کشان است این کشش نیرو با وجود تلاشها و فسونهای امر یمنی بیدادگران خود را بسوی جلو بسوی افق سرخ پیروزی و رهایی خلقها می کشاند.

بگذار پیکار های پرافتخار آزاده کان پیشین السهام بخش مبارزان امروز باشد.

درد بر قربانیان راه آزادی. درود بر محمودی فقید فرزند قهرمان خلق افغانستان

حال دهقان دست زد و سکتور دولتی اقتصاد را بنیان گذاشت و به همه این اقدامات عنوان «سوسیالیزم» داد. در حقیقت حزب کانگرس ملی از سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ ترکیب شده نبود، سرشت طبقاتی این حزب، با آنکه در مبارزات آزادیخواهی رهبری رابدهست داشت بهیچ وجه مترقی نبود. سیاست دولتی هند نیز (وازانجمله سوسیالیزم) در درجه اول و

ماباید از آن اصل فرهنکی پیروی کنیم، که آموزش و پرورش رادر خدمت سیاست توده ای قرار داده و با کار تولیدی در هم می آمیزد. در مکاتب و مدارس مختلف بایستی کیری تمام پروگرامی را تجویز کنیم، که دانش پرو عان امکان یابند خود را از نظر اخلاقی، معرفت و جسمانی رشد و تکامل دهند و به زحمتکشان با معلومات و دارای آگاهی اندیشه های پیشرو مبدل گردند.

پیکار با فرهنگ ملاکی

ونیمه استعماری

زده و گرفتار سر پنجه اجر یمن مقررات فرتوت، کشوری است که اقتصاد آن در مسیر زیان بخش و نا سالمی سیر می کند، کشوری است که در زمینه تولید، بخش آموزش و پرورش و خلاقیت علمی و هنری سالها از سطح جهانی عقب مانده است.

در چنین کشور دستگاه پسو سیده بدانگونه که نمی تواند شرایط تامین رشد سریع اقتصادی را فراهم آورد نیروی پایه گذاری بنای یک فرهنگ شکوفان را نیز ندارد.

در کشور ما طبقات زحمتکش از فرا گرفتن دانش محرومند و دروازه های مکاتب و موسسات به اصطلاح علمی بروی فرزندان رنجبران،

جها نبینی علمی بما می آموزد. که فرهنگ بدیده ای است طبقاتی و در واقع فرهنگ که مافوق طبقات و جدا از سیاست باشد وجود ندارد و از اینرو هر طبقه ای که بر مسند قدرت سیاسی تکیه میزند فرهنگ خویش را که انعکاس دهنده آرمنها و پاسند از منافع اوست با اسالیب و شیوه های کوناگون ترویج و تعمیم می بخشد.

طبقات حاکمه مرتجع بخوبی بر آگاهند که فرهنگ مترقی و پیشرو در دست توده ها سلاح خصم افکنی است که زمینه را برای به وقوع پیوستن تحولات بنیادی و عمیق آماده می سازد از اینجا است که فرهنگ نوین همواره با دشمن سر سخت و روش کین توزانه طبقات بهره کش و کلیه ستمکاران و سردمداران جهان کهن و پاسداران نظامهای فرتوت و زوال یابنده رو بر و شده است زیرا آنان در این فرهنگ سیمای شکست ناپذیر ترین دشمن طبقاتی خویش را می بینند.

طبقه حاکمه کشور ما که دشمن سوگند خورده اندیشه های پیشرو و مخالف تر عش نا پذیر بلند رفتن سطح آگاهی سیاسی مردم است فرهنگ تاریخ زده و قرون وسطانی خویش را بادیاسی و حیل بر مردم تحمیل می کند و هم آنگونه که در زمینه اقتصادی از دادن امتیازات ننکین و اسامارت باز به امپریالیست ها و دنباله روان نوین آنها خودداری نکرده امور فرهنگ کشور را نیز بدست آنان سپرده است.

کشور های امپریالیستی و متافعین استعمار نوین نیز از آنجایی که از او جگیری جنبش های نجات بخش ملی و تجلی اراده مردم عراس دارند در بخش و گسترش این فرهنگ زهر آکین تلاش می ورزند زیرا برای تا را جگری آنها «محیط مساعد» ایجاد می کند.

طبقه حاکمه کشور ما سخت در تلاش است تا ما عیت پسو سیده و

دهقانان و بسیاری از نیمه رنجبران بسته است و آنانی هم که این بختیاری عظیم را حاصل می کنند پس از سالها مغز فرسایی حتی به مبادی و مقدمات دانش بدرستی آشنا نمی شوند چه اساساً بر نامه های آموزشی که بوسیله کار شناسان و مشاورین ممالک امپریالیستی، تنظیم می شود از تحری حقیقت و رشد افکار مترقی جلو گیری می (در ص ۴)

منحط فرهنگ خویش را در پردۀ سالیس وریا ببو شاند و بسلند کویان و سازمانهای نشراتی وابسته بدولت از بسط و توسعه دانش از معارف متوازن، از شیوه آموزش و پرورش مترقی و از انکشافات علمی و هنری سخن می رانند ولی تلاش آنان تلاشی است ناکام و مذبوحانه که به شکست و رسوایی می انجامد زیرا واقعیت های عینی بیا نگر آنست که افغانستان کشوری است استعمار

انجنیر محمد عثمان

انحصار اندیشه های زهر آگین

در جریانات سیاسی

در نیمه اول قرن بیستم درست بعد از نخستین جنگ جهانی یعنی آنکه که کمپریالیست های فرانسه و انگلیس در زیر بارقروض امپریالیسم امریکا خم گردیده و تازه این کشور مقام خود را بحیث نخستین و بزرگترین کشور سرمایه داری تثبیت میکرد استعمار کهن که هسته ضد آن در کشور رهای عقب مانده روبرقوت بود واستعمار کران کهن را در آتش خود میسوخت و به زوال رفت تا آنکه دو مین جنگ جهانی کلیم استعمار کهن را در قسمت اعظم دنیا درهم چیدولی از آنجا که «مرتجعین» به اختیار خود از ستیژ تاریخ کنار نمیروند و تا آخرین مرحله ساطور قصابی را از دست نمیگذارند و بوداندیشونده استعمار کهن قیافه خود را با آب ورنک تازه تری مکیاز کرد و بشکل استعمار نو در صحنه ملل عقب مانده ظاهر شد یعنی در واقع طبق ضرب المثل قدیمی ما شمشیر را از کف نهادند و تند ویر را بدست گرفتند شیوه عمل استعمار نوین در طریق کمک های بلاعوض (۱) و دوستی ها و منافع متقابل (!) تجلی میکند اما اینجا بینش ژرف و همه جانبه در کار است تا مشاهده نماید که منافع متقابل بین ظالم و مظلوم یعنی استثمار اخیرالذکر بر چه منوال است ببینیم فرضیه استعمار نو یعنی چی ؟

ممالك بزرگ امپریالیستی برای جلوگیری از بحران داخلی خویش ناکزیر از صدور سرمایه و تاسیس مؤسسات تجارتی در سایر کشور ها هستند زیرا از نخستین جنگ جهانی بدینسو سرمایه داری بین المللی و در رأس آن سرمایه داری امریکا بدست شرکت های انحصاری (کارتل و تر است) متمرکز گردیده است لذا دنیای سرمایه داری امریکا بدست دنیای سرمایه داری ناکزیر است تا برای جلوگیری از حاد شدن تضاد کار و سرمایه در کشور خویش از یکسو و سر ازیر نمودن ثروت سرشار کشور های عقب مانده به کیسه سرمایه داران و تاسیس یک بازار دائم التوسعه از سوی دیگر مساله «مواد خام بده کالای صنعتی بگیر» را بحیث شعار روز خود قرار دهند.

بعد از جنگ جهانی دوم ببردهن دریده استعمار کهن در جامه یک میمون شیاد با اسماء و القاب فریبنده ماندها، دومینیون ها، کامنولت ها و بالاخره کمک (!) به کشور های باصطلاح کم رشد تظاهر کردند و آنانی که تا دیروز برای تسکین اشتباه کاذب خویش جهان را به توپ و خمپاره بسته بودند نقاب دایه مهربانتر از مادر به او گرفتند تازه وقتی کار ماندها و دو مینیون ها نیز به رسوایی و افتضاح کشید

دکتر عبدالله محمودی

جنگ پیر و زمندانه خلق ویتنام

بیست و هشت سال قبل خلق ویتنام به مبارزه مفرمانه علیه امپریالیسم دست زد، نه در نتیجه در سال ۱۶۵۲ سلطه استعمار بران فرانسوی را در حاکم خود بر انداخت و بر اساس لغت ریز صبح در ایچ بر سر سر - یرو ندسته بود نه امپریالیست های امریکایی به پهلو بست های نصمی و اقتصادی بتدریج جای استعمار بران فرانسوی را اشغال نمودند.

امپریالیست های امریکایی به منظور تحکیم رژیم بودین دیم متبورین نظامی خود را به ویتنام فرستادند و اردوی مزدور را تاسیس کردند، بعدا ویتنام جنوبی را عضویت پیمان سیانو به در سال ۱۶۵۴ تاسیس شده بود در آوردند نه این اقدامات مخالف روحیه موافقت نامه های ژنیو بود، همچنین موافقت نامه ژنیو - حالت استعمار کهن را در ویتنام پایان داد و حق حاکمیت استقلال، وحدت و یکپارچگی ویتنام را بر رسمیت شناخت، هلد در مقابله ذکر گردیده بود نه بتاریخ ۲۰ جولای ۱۶۵۶ بمنظور وحدت دوباره و مسالمت آمیز خلق ویتنام انتخابات آزاد و عمومی در سراسر ویتنام صورت گیرد ولی حکومت دست نشاندۀ امریکا در ویتنام جنوبی باین موافقت نامه واقعی نگذاشت و با همکاری امریکا علیه منافع خلق ویتنام عمل کرد. در پنج سال اول پس از مقابله نامه زنیو خلق ویتنام بمنظور تامین وحدت و استقلال دست به مبارزه مسالمت آمیز زدن ولی ارتجاع آنها را مجبور ساخت راه انقلاب اکست یعنی راه مبارزه مسلحانه را در پیش گیرند. اتحاد نیرو های دیمو کراتیک، یک ضرورت تاریخی مبدل شد بنا عا جبهه آزادی ملی ویتنام بوجود آمده که امروز علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم امریکا به پیکار مقدسی مشغول است.

جبهه آزادی مرکب از سه حزب انقلابیون ملی، سوسیالیست رادیکال و دیموکرات می باشد - بر علاوه تعداد زیادی از سازمان های کارگری و دهقانی و انجمن های مذهبی که مجموع شان به ۳۰ سازمان میرسد در جبهه آزادی ملی اشتراك دارند هدف جبهه برانداختن سلطه امریکا از ویتنام و تاسیس دولت مستقل ملی است که بتواند عقب ماندگی را که خود میراث استعمار است هر چه سریعتر از بین ببرد. جبهه آزادی ملی که از ۱۴ میلیون خلق کشور نمایندگی میکند جدا مصمم است تا پیروزی نهائی بجنگد. چنانچه از شروع جنگ عادلانه ضد امپریالیستی خود از جمله ۱۷۰۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت خاک ویتنام جنوبی ۵۰ درصد حصه آنها از دشمن رها ساخته و هم اکنون ۲۰۳ نفوس کشور در

مناطق آزاد شده زندگی میکنند جبهه آزادی ویتنام در طول مدت سال جنگ عادلانه ضد امپریالیستی ۱۵ میلیون نفر از عساکر دشمن را نابود کرده که در آن جمله ۲۰۰۰۰ نفر امریکایی شام هستند، ۸۵۶۰۰ فرزند هواپیما، ۶۵۸۲۵ عراده و وسایط نظامی را نابود و ۴۱۲ کشتی جنگی را غرق و ۴۷۵۴ باشکاه دشمن را تخریب و ۱۲۰۲ پل را منفجر نموده اند.

موج انقلاب در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۷ وارد مرحله نوینی شد چنانکه این سال برای امریکا سال شکست و یاس در ویتنام، سال بحران دالر وحاد شدن مبارزه طبقاتی در امریکا بود، جنگ ویتنام و مصارف هنگفت نظامی آن فشار بزرگی از حیث بلند رفتن تکیس ها و عواید طبقه کارر بالای طبقات محروم و زحمتکش وارد نمود نه در نتیجه در بیش از ۱۰۰ شهر امریکا چندین میلیون نفر در مبارزه ضد سیاست تجاوزی حکومت امپریالیستی امریکا شرکت کردند ولی بر عکس همین سال برای خلق ویتنام سال پیروزی و موفقیت بود چنانکه درین سال ۳۶۵۰۰۰ نفر عساکر دشمن که منجمه ۷۰۰۰ نفر آن امریکایی بودند و ۸۵۰۰۰ عراده و وسایط نظامی، ۲۲۰۰ فرزند هواپیما و ۲۰۰ کشتی نظامی دشمن را نابود کردند سال جاری نیز سال پیروزی خلق ویتنام و شکست امپریالیست ها و دنباله روانشان می باشد چنانچه در دوماه اول سال ۱۹۶۸ نود هزار نفر عساکر دشمن توسط ویتکانکها کشته و یا اسیر شدند که از جمله ۲۰۰۰۰ نفر امریکایی بود بر علاوه آن ۲۰۰ نفر عساکر دشمن به ویتکانکها تسلیم شدند، ۱۸۰۰ فرزند هواپیما و ۱۳۰۰ عراده و وسایط دیگر نابود شدند و ۹۰ کشتی جنگی دشمن غرق شد.

مدتها ست که امپریالیسم امریکا در سرزمین ویتنام بزانو در آمده متحدین و دنباله روان خود را بکمک می طلبد ولی هیچ نیروی نتوانسته که از شکست حتمی آنها در آنجا جلوگیری نماید نه متحدین و دنباله روانش و نه بمب های توکیسک (زهري)، نه اسلحه مدرن و نه دالر امریکائی.

سوالی بمیان میاید که علت چیست، بزرگترین قدرت امپریالیستی قرن بیست با وجود کمک یا رانش در مقابل کشور کوچکی که دارای ۱۴ میلیون نفوس می باشد به زانو در میاید ؟

(۱) علت اول آنست که جنگ امریکا در ویتنام جنگ غیر عادلانه است که بر ضد حق حاکمیت ملی و حقوق دیموکراتیک

جنگ پیروز مندان خلق ویتنام

خلق بخش جنوبی ویتنام جریان دارد و مخالف جهت جریان تاریخ است. (۲) خلق بخش جنوبی ویتنام که بدور جبهه آزادی ملی کرد آمده اند و جبهه بزرگ و وسیعی که اکثریت اعظم خلق را بر اساس يك برنامه معقول و منطقی متحد ساخته است بوسیله جنگ انقلابی و عادلانه با جنگ تجاوزی ضد انقلابی و غیر عادلانه امپریالیست های امریکا مقابله میکنند، جنگ انقلابی که بر اساس احساسات عالی ناسیونالیستی، دموکراسی طلبی و روحیه انقلابی تسلیم ناپذیری خلق متکی است. خلقی که هیچگاه حتی در مقابل وحشیانه ترین حملات و تعدی دشمن عقب نشینی نمیکند.

(۳) خلق بخش جنوبی ویتنام با درك قوانین استعمار نوین و قانون مندی جنگ عادلانه مشی درستی را اتخاذ نموده، انواع مختلف مبارزه را درهم آمیخته و بکار میبرند و نقشه های تجاوزی دشمنان را خنثی میسازند، پیروزی خلق ویتنام این حقیقت را ثابت میسازد که:

در عصر کنونی ما يك ملت هر چند كوچك وضعی باشد همیشه متحد گردید، قیام کرد و آماده فداکاری در راه ارمایه ها و اهداف خود شد و بایک خط مشی سیاسی صحیح بینکار نمود هیچ قدرت امپریالیستی در جهان حتی امپریالیسم امریکا، بر آن غلبه یافته نمیتواند.

در این اواخر امپریالیست های امریکا اعلام کردند که تجاوز خود را به ویتنام شمالی محدود ترسازند ولی بعضی محافل مداح جهان به اصطلاح آزاد و مدافعین استعمار نوین این عمل را بمثابة نیت خیر خواهانه امپریالیست های امریکا تلقی کردند - ولی خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین مسلمانانند که امپریالیسم هر نقاب را که بر چهره کشد هرگز طبیعت متجاوز و جنگ افروزان خود را تفسیر نمیدهد و لو این عقب نشینی موقتی بمنظور کاهش بحران دالر و یا به منظور استفاده جویی در انتخابات ریاست جمهوری باشد.

سر انجام خلق ویتنام پیروز میشود زیرا نه تنها از حساسیت بیش از هزار میلیون نفوس بشریت مفرقی و خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بر خوردار است بلکه طبقه کارگر و زحمتکشانشان کشور های سرمایه داری نیز پشتیبان آنهاست.

هر کسی در برابر خلق قلمعسم کند، بدست خلق سرنگون خواهد شد، هر کسی در جهت مخالف روند تاریخ حرکت کند، بدون تردید روند تاریخ او را نابود خواهد کرد.

انعکاس اندیشه های زهر آگین در جریانات سیاسی

دستگاه حاکمه پیرامون اقتصاد و سیاست کشور ما چنین رجز خوانی میکنند:

«به موجب وظایف جدید اقتصادی که دولت افغانستان در سو مین برنامه ۵ ساله مقرر نموده است قرار است در زمینه سرمایه گذاری تغییرات بنیانی صورت داده شود ...

در سو مین برنامه پنجساله تولیدات صنعتی با سرعت زیاد پیشرفت خواهد نمود حجم مجموع محصولات صنعتی با سرعت زیادی پیشرفت خواهد نمود حجم مجموع محصولات صنعتی باید ظرف پنجسال ۹، ۲ برابر گردد قدرت کارخانجات برق يك برابر و نیم افزونتر میگردد.

در سال ۱۳۵۰ یعنی در آخرین سال سومین برنامه پنجساله ۵، ۲ برابر سال ۴۵ نیروی برق تولید خواهد شد ...

... ظرف پنجسال ۲۸۰ مدرسه افتتاح خواهد شد و عدد دانش آموزان دبیرستان ها به ۶۸۰ هزار نفر خواهد رسید. عدد دانشجویان دانشگاه ها و آموزشگاه های عالی ظرف پنجسال ۳۸ درصد افزایش خواهد یافت.

حقایقی که در اینجا ذکر شد گواه آنست که سو مین برنامه پنجساله به معنای ورود افغانستان به مرحله جدید بسط و توسعه اقتصاد ملی و پیشرفت جدید اجتماعی میباشد.

در حالیکه نگاهی کوتاه به منابع مالی موجود در کشور و بستگی بیشتر ما را به امپریالیسم و مدافعین استعمار نوین نشان میدهد، کندی شرم آور رشد فرهنگ اصلا ارزش بحث و گفتگو را ندارد. سر انجام این تبلیغات همراه کننده نتایج آتی را نیز بدنبال دارد.

۱- برای مرتجعین کشورهای عقب مانده و حکومت های ضد ملی ایشان وسیله بیست برای برپا کردن کرد باد تبلیغ و پروپاگند به خاطر تحکیم و حفظ منافع خویش و سرکوب نمودن خواسته های اساسی مردم محروم کشور خود به وسیله این آسپیرین بایری که ظاهراً «مسکن کلیه درد عاست»

(۲) ناپدید اصلاحات نیمکاره و نیم بند حکومت های ضد ملی، توسط جریان های به اصطلاح سیاسی این کشور ها که زیر تاثیر همچون انحرافات آگاهانه و یا غیر آگاهانه به طبقات فاسد و ارتجاعی کشور خود خوش رقصی میکنند ولی ما انداز قامت این معامله کران سیاسی را در هر جامه که بپوشانند می شناسیم و حنای شان نزد مارنیک باخته است.

بهر صورت این عوامل استعماری و اندیشه های زهر آگین به علت اینکه در ترکیب طبقاتی کشور های عقب مانده مؤثر اند در بوجود آوردن جریان های گوناگون با اصطلاح سیاسی نیز که بالطبع صیفه طبقاتی دارد اثر میکند حتی جریان های معلول نظریات مدافعین استعمار نوین است با ماسک جریان های مفرقی (!) روی صحنه می آیند ولی در ست خود مقتضی آنست که امپریالیست

محمد هاشم (زمانی)

دزمانی تغییر

خنخیر دظلم شری سیری مظلومان آزاد و ی پدی خنخیر دظلم ظالمان بسند یا نوی تغییر د و خست پید اشته زمانه رنگ بد لوی ظالم و رگی به لاس کتبی غریبان شادان نوی دظلم خنخیر رنگ شسته دظالم جادو ما تیر ی اوس خونه دجادو همد ا خورمان و پرا نوی تغییر د زمانی دی چه دا رنگ کوی کارونه وخت بل شنه نغمه بله مظلومان فرحانوی دمورد غریبان و پرا شومان داشان به آواز کپی چه مری شنی ظالم چه عا جزان پریشا نوی زا به مطربان قول آهنک دساز خیل بد لوی وخت بل زمانه نوی مطربان اعلانوی دزو به مطرب د ساز آواز میانه نه ور کپی مطرب نوی سرود به به هیجان روانوی تغییر د زمانی دی هو بشیاره پدی پوه شه د ژوند لوی آواز شه هو شیار ان حیرانو بد ل زمانی رنگ کره ارمغان نوی را و پ افغان به ژوند خیر شه ظالمان گریبان نوی

ما و مدافعین استعمار نوین از صحنه ملل مظلوم تجرید و بکلی طرد گردند نه اینکه به ایشان فرصت مصالحه و سازشکاری داده شود وضع مساعد کنونی (مبارزات خروشان خلق های ستمدیده بر ضد بهره کشان) یگانه معیار تشخیص جریان مفرقی از غیر مفرقی است جریانی که بطور صمیمانه وجدی (در عمل و نظر) از جنبش های آزادی بخش ملی ملل آسیا آفریقا، امریکای لاتین و همچنان از تشدید تضاد کار و سرمایه در کشورهای امپریالیستی قاطعانه پشتیبانی کند و آنرا خطری برای صلح جهان ندانسته بلکه اهرمی برای رهایی خلق ها از قید اسارت و بزدگی تلقی کند مفرقی است در غیر آن جریانی وجود ندارد مگر آنکه عمال و ایادی امپریالیسم، مدافعین استعمار نوین و ارتجاع باشد و تفکری یافته نمیشود مگر آنکه انعکاس اندیشه های زهر آگین و استعمار باشد.

مانند فلسی ماهی که دینار نیست اما دینار نما هست اینگونه جریان ها تا فرصت کوتاهی میتوانند توده های محروم را به امید آب به سوی سراب برند نتیجه برای جریان های واقعی ملی که خواستار دگرگونی عمیق اجتماعی و سیاسی باشند مبارزه با این عمال و مدافعان استعمار نو و کهنه اهمیت قاطع و حیاتی کسب می نماید همچنان نگاه کوتاه به جهان پرمیاهوی ما نمودار این حقیقت مسرت بخش است که عصر زوال امپریالیسم فرا رسیده و دیگر حتی قدرت اتومی امپریالیسم امریکا هم قادر نیست ویرا از توان جنبش آزادیخواهی و خشم عادلانه ملل آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نجات دهد پیروزی های کبیر خلق قهرمان ویتنام شکست ننکین و افتضاح آمیز امپریالیسم امریکا را نوید میدهد جهان ما به نفع خلق ستمکش و مظلوم آستن تحولات عظیم میباشد بناء در چنین حالتی فقط اندیشه های عصر زوال امپریالیسم است که بحیث سلاح نیرومند و شکست ناپذیر خلق های ستمکش جهان موقعیت خود را تثبیت میکند و این روی صحنه می آیند ولی در ست خود مقتضی آنست که امپریالیست

هرون زن جامعی د اوسنی طبقاتی

روابطو یوه څېړنه

اوددی دنی نهری قشر یوه متزلزله سیاسی مو قف لری او په بعضی اوقاتو کسې نسر مشخصو شرایطو لاندی تر معینو درېو پوری نولای سی چه دخلت په قطار کی ودر پیری .
دیرلر مادی نعمتو د تولید خرڅونکی د مملکت مولده طبقات دی چه په رنجبر، نیمه رنجبر او بزگران ویشل شوی دی .
درنجبر طبقه چه دیر اشریت او د تولید هیڅ وسیله نلری په بننا رونی کی عموماً په نیمه استعماری صنایعو کی او په معدن او په کلیو کی د ملاکینو او د متو سنی طبقی دغو په خدمت بخت دی .
نیمه رنجبران ته په بنارو او نه په کلیو کی دی که څه هم د تولید ابتدائی وسایلو څښتن دی خپل

زپلی ژوند یواځی د خپل شرا فتمند کار او تولید څخه تامین لری او دا طبقه زموږ د جمعیت تقریباً په سلو کی زیاته بر څه تشکیلی زموږ د کړنډی بزگران تشکیلی او خرڅنډه د تولید شیوه ملاکی ده نو په حقیقت سره د تولید اساسی قدرت او د دارانسی اصلی مولد په مملکت کی دا طبقه ده داستعمار کرو اقتصادی او اجتماعی کتبه ورو نکی پشه د بز کرو په با قو ته او ژه ولاړه ده او دجامعی د ژوند خرڅ د خپل په هر دور کی د دوری پر بد بختیو نور هم زیاتوی . د تحلیل په آخرینه کی دما لیانو هر رنگ ، دروند بار په مستقیم یا غیر مستقیم ډول د دوری په اوږو بار پیری . د اقتصاد دی او اجتماعی اوسنی وضعیت په بدلون دا طبقه خورا مهمه قدرت تشکیلی . هر یوه جریان چه زموږ دهیواد دنوی کو لو د علمی تفکر پر اساس غو ښتو نکی دی باید د بز کرو طبقی اهمیت دمخ کی ذکر شوی هدف د رسیدو د پاره جلدی په نظر کی ونیسی .

له پورته حقا یقو نه دا څرگند پیری چه د یو واقعی دمو کراسی تامینول زموږ د عصر پیشرو داند ښنو . پر اساس (چه د امپریالیزم د زوال عصر دی) هغه جریان چه غواړی خلک ته خدمت وکړی باید په رنجبرو د پیش آهنک په حیث نیمه رنجبران او بزگران د متحده او عمده قدرت نژدی رنجبرو ته او متو سطحه طبقه درنجبرو متحد دوست په څیر تکیه وکړی . او په مشخصو شرا یطو کی وکولای شی چه د متوسطی طبقی لمړی قشر خپل رهبری لاندی را وړی تر څو چه د خلک پر دښمن باندی بر یالی شی .

آژانس دلخک

خبر نگار ما گزارش میدهد که به روز چهارشنبه ۱۴ حمل یک نفر از کارگران فابریکه جنگلک که برای اجرای کار رسمی از محل وظیفه خویش بسوی یکی از شعبات روان بود وبا رئیس فابریکه مقابل شد بدون اینکه مراتب احترامی را که رئیس فابریکه از کارگران متوقع است بجا آورد براه خود ادامه داد :
رئیس فابریکه این حرکت کارگر جوان را نسبت بخود بی احترامی تلقی کرده بالای وی حمله کرد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد و سپس به مامورین خود امر کرد که از کار اخراجش کنند .
شعله جاوید این روش جابرانه را شدیداً تقبیح می کند و از کارگران خواستار است که برای جلوگیری همچو تعدیات قانوناً دست بکار شوند و نگذارند که یکی از همزمان آنها مورد اجحاف و اعانت قرار گیرد .

پیکار با فرهنگ ملاکی و نیمه...

کند ومشتی اراجیف و بلاطالات رادر مغز دانش آموزان می نچاند . در کشور ما همپای استبداد طبقاتی و استثمار و عاری و دمسسه منشانه ستم ملی نیز بیداد می کند و بخش سزاوار بوجهی از مردم مملکت حق درس خواندن بزبان مادری خویش را ندارد و دررادیوی دولت کوچکترین مطلبی بزبان آنا ن پهنش نمیشود و حتی بهر یه سحر در روز نامه ها و جراید دو لثی نوشته یی را بزبان مادری خویش نمی یابند چون طبقه حاکمه سرنوشت خود را به سر نوشت امیر یالیم و ارتجاع بین المللی وابسته میند و دیوانی اتخاذ روش آزادانه ای مطابق با مقتضیات رشد کشور ما را ندارد ، دروازه های کشور بروی فرهنگهای فاسد ممالک امپریالیستی باز است . و بخش فرهنگ ارتجاعی طبقه حاکمه فاقد هر گونه آخر یشند کی

و تحرك سود مند است لروهي از جوانان و روشنفکران مراد و سر را مییوی سقوط شخصیت و لا ابا لیتری و بی اعتنائی به مسایل سیاسی و اجتماعی سرا زیر ساخته است . هنر و ادبیاتی که دولت مرو چ آنست از شخصیت و بالیدن تر یحه های نیرو مند جلو گیری می کند و مداحی و دلچکی و شارلا یالیم را توسعه می دهد .

در این مرحله برسر سپردگان فرهنگ متری و پیشرو است تا در راه تحقق اندیشه دموکراتیک نوین مبارزه کنند زیرا در فاش فرهنگ نوین آنگاه بر افراشته خواهد شد که اندیشه های دموکراتیک نوین به ظفر مندی نهایی برسد .

بر روشنفکران متری و پیشرو است که با تمام افکار اشتباه آمیز تمام گیاهان زهراکین و تمام اهریمنان افعی صفت مبارزه کنند و راه را برای اشاعه آن باز نگذارند .

بر هنر مندان و افکار و احساسات خود را با افکار و احساسات توده ها بسیار میزند و جامعه خویش را بصورت همه جانبه ودقیق بر رسی کنند . طبقات گوناگون جامعه و مناسبات و پیوند های دو جانبه آنها را مورد مطالعه قرار دهند و در غیر آن آثار هنری شان محتوی ارزنده و نسر بخشی نخواهد داشت .

نامه يك رنجبر

کار کنان جریده شعله جاوید ! در و دگرم و آتشی خود را به نمایندگی تمام رنجبران کشور به همه تان تقدیم میدارم و مساعی شما را در نشر این جریده ارزنده تقدیر می نمایم . موفقیت شایان تان آرزوی قلبی ما رنجبران می باشد .

پیروزی و شادکامی نصیب ما و شما خواهد بود زیرا زندگی ساخته دست ما رنجبران و شما روشنفکران متری میباشد اگر امروز ارتجاع نیرو مند است و خلقت را بزنجبر می کشد بالاخره سیل خروشان خشم سازندگان تاریخ نا بدو دش خواهد ساخت .

من هم یقین کامل دارم که آزادی حقیقی طبقات رنجبر فقط بدست خود رنجبران می تواند انجام گیرد . پیروز باشید - رفیق همروزم شما م - ا کارگر

«مضطرب» باختری

رقص آتش

من ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر همیدانم ،
من ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر همیدانم
«که جاویدان نباشد این سیاهی وین نسوختاری»
«ندارد پایه دیر ندگی او رنگ اهریمن»
«سر آید این شب تاریک و غمگستر»
«ودر فرجام این تار یکی تلخ و روان فرسا»
«برآید آفتاب سرخ از خاور»

...

من ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر همیدانم
من ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر همیدانم
که از حماقه این شعله برق خشم خواهد جست
شگوفاتر گل خونین رستا خیز خواهد خاست
و زین گل میوه آزادی جاویدخواهی چید
طنین نعره پیکار جویان در دل صحرای رعب آور
صلای مرگ دژخیم است

من ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر همیدانم
که این حماقه «رقص آتش و خون» است
ستیخ کپسار از خون ما گلرنگ خواهد شد
بدور پیکر خونین مادر «سنگر پیکار هستی ساز دشمن سوژ»
شفیق هر شامگاهان رقص شو رانگیز خواهد کرد .

...

من ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر همیدانم
که مرگ ما «پری قو» نیست «گوه» هست و گران سنگ است
پیام مردم رزمنده دلتای مگو ننگ چنین گوید :
چه باک از مرگ آخر زندگی در بردگی ننگ است
تودر پیکار آزادی بجز زنجیر خود چیزی نخواهی داد و خواهی برد ،
جهانی را که مزدشست رنج بیکران تست .

تو ای همروزم و همزنجیر و هم سنگر زجا برخیز
که : همچون دانه اندر کشتزار خاطر برزیگران دویم
شگوفان تر شویم آنگاه و بانروی رعب انگیز و تو فان زای
برافرازم پرچم را و افرو زیم آتش را
و جاویدان کنیم این رقص آتش خیز رزم آدا
که تا این ناکسان سوزند و آن اهریمنان سوزند ...

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

داکتر د جیم (محمود د)

آدرس حصه اول جاده هیوند

حساب در پښتني تجارتي بانک

(۷۲۷۴)

حق الاشتراك

قیمت هر شماره د و افغانی

هر پنجمشنبه نشر میشود

مرکز ۱۰۰ افغانی

ولایات ۱۱۰

خارج ۱۰ دالر

دولتی مطبعه